

آیات قرآن مرتبط با انتخابات

(به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان و تقارن آن با حماسه سیاسی انتخابات)

۲۵ دقیقه (زمان تخمینی مطالعه این متن)

اشاره: یکی از ابعاد اهمیت انتخابات، جنبه الهی و بُعد قدسی آن است، اینکه رهبر حکیم انقلاب، به عنوان یک اسلام‌شناس حقیقی تصریح می‌کنند: «انتخابات نماد حرکت اسلامی در کشور ماست. (۱۳۸۴/۰۳/۱۴) شرکت در انتخابات، تکلیف شرعی و واجب شرعی است. (۱۳۸۴/۰۳/۲۵) شرکت در انتخابات، یک عمل صالح است. (۱۳۸۴/۰۳/۲۷) مردم با توکل به خدا و با قصد تقرب الی الله - که یک عبادت است - وارد میدان انتخابات شوند. (۱۳۸۵/۰۹/۲۲) دلالت بر این حقیقت دارد که انتخابات، علاوه بر اینکه یک رویداد ملی و یک حماسه سیاسی است، دارای مبانی عمیق شرعی و دینی هم هست.

این موضوع از جنبه‌ای دیگر هم قابل توجه است و آن اینکه تاکتیک‌های دشمن در بازداشتن مردم از شرکت در انتخابات مختلف است و با تقسیم‌بندی مردم به چند گروه و برای هر کدام خوراک ضدتبلیغی مناسب را تهیه می‌کند. به افراد ضد انقلاب و نظام می‌گوید: «رأی ندهید تا تضعیف شوند.»، به اقشار عادی و متوسط جامعه می‌گوید: «این همه رأی دادید چه شد؟»، و به افراد معتقد و مؤمن می‌گوید: «در کجای اسلام و قرآن انتخابات آمده است؟! (انتخابات، مغایر با اسلام و قرآن است.)» در این نوشتار مختصراً به برخی از ادله‌های قرآنی مشروعیت انتخابات در نظام دینی و همچنین لزوم مشارکت حداکثری در آن اشاره می‌نماییم. تقدم و تأخر آیات به ترتیب سوره‌ها، تعیین شده است، لذا اعزه می‌توانند به تشخیص صائب خود، تقدم و تأخر اقتضایی خود را در طرح بحث اعمال فرمایند.

کلیدواژه: انتخابات ؛ اتباع أحسن ؛ پشتیبانی مجرمین ؛ جهاد کبیر ؛ شکر ؛ تغییر انفس ؛ تخصص و تعهد ؛ عمل صالح سیاسی ؛ إعداد قوة ؛ نفی سبیل ؛ اولوالأمر ؛ امانت



□ (۱) آیه اداء امانت (نساء: ۵۸)

از شاخص ترین آیات قرآن که علاوه بر معنا و پیام اخلاقی، معنایی پُررنگ در موضوعات سیاسی دارد، آیه ۵۸ سوره مبارکه نساء است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» - خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهلش بدهید -.

در فرهنگ روایات، امانتداری، از نشانه های مهم ایمان و خیانت به امانت، علامت نفاق است. در حدیث است: «به رکوع و سجود طولانی افراد نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداری آنان بنگرید.» «لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَسُجُودِهِ... وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَىٰ صِدْقِ حَدِيثِهِ وَأَدَاءِ أَمَانَتِهِ.» (الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵)

نکته مهم تر آنکه در روایات متعدّد، منظور از امانت، رهبری و مسئولیت های اداره جامعه تعریف شده است (هَذِهِ الْآيَةُ فِي أَمْرِ الْوَلَايَةِ (بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۲۸۳)؛ رهبر معظم انقلاب با اشاره به همین نکته که مسئولیت در نظام اسلامی، امانت الهی است، می فرمایند: «چند توصیه می کنم به رئیس جمهور محترم و برادران و خواهرانی که در بخش های مختلف با ایشان همکاری خواهند داشت که این توصیه ها را در نظر داشته باشند. این مسئولیت را، این توانایی را، امانت بدانید؛ همچنان که امیرالمؤمنین فرمود: این در گردن تو یک امانتی است؛ «وَأِنَّمَا هِيَ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ» (نهج البلاغه: نامه ۵) این مسئولیت، امانت الهی است در اختیار من و شما؛ امانت داری باید کرد؛ حفظ امانت باید کرد. این آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»، فقط درباره ی این امانت های مادی محسوس نیست؛ این امانت مهم معنوی - که این مسئولیت است - مصداق برتر آنها است.» (۱۳۹۶/۰۵/۱۲)

آنچه از این دو نکته قابل فهم و استنباط است این است که: یکی دیگر از ابعاد اهمیت انتخابات این است که انتخابات، از مصادیق بارز «اداء» «الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» و مهمترین عرصه امانت سپاری است، و مردم باید در این مراسم امانت سپاری (انتخابات)، یکی از عظیم ترین امانت ها - یعنی مدیریت جامعه - را به اهلش و اسپاری نمایند. از این رو اگر در این وظیفه و تکلیف شرعی کمأو کیفاً کوتاهی کنند، قطعاً مسئول خواهند بود. تکلیف شرعی انتخابات، دو جنبه دارد و به واسطه این دو جنبه به تعبیر رهبر معظم انقلاب «نُورٌ عَلَىٰ نُور» است؛ یکی جنبه کمی که همان حضور و مشارکت حداکثری است؛ و جنبه دیگر آن، کیفی است که انتخاب اصلح منظور است. در صورت عدم توانایی در انتخاب افراد شایسته، باید به آگاهان و متخصصان مورد اعتماد مراجعه کرده و از نظر آنها تبعیت نمود: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ.» (نحل: ۴۳/ انبیا: ۷)



□ (۲) آیه اولوالأمر (نساء: ۵۹)

در منطق قرآن، «ولایت فقیه» یک اصل فرا شیعی و فرا اسلامی است و ریشه در تمام ادیان الهی و وحیانی دارد. قرآن می فرماید: علماء و فقهاء هر امت، مسئول اجرای احکام الهی در میان مردم هستند. در آیه ۴۴ سوره مائده می خوانیم: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءً...» - ما تورات را نازل کردیم تا انبیاء، و بعد از آنها، مربیان الهی و دانشمندان - که حفاظت این کتاب آسمانی به آنان سپرده شده بود و بر آن گواه بودند - بر طبق آن برای مردم حکم و داوری نمایند -.

بنابراین در فرهنگ اسلامی، ولایت فقیه، استمرار حرکت و حکومت انبیاء و ائمه علیهم السلام است، و از مصادیق مُشکک «اولوالأمر» قرآنی هستند که باید مورد اطاعت و فرمانبری جامعه اسلامی باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء: ۵۹). نهادینگی اصل ولایت فقیه تا بدانجا که مرحوم صاحب جواهر می گوید: «اگر کسی منکر ولایت فقیه باشد، گویا طعم فقه را نچشیده است» (... كَأَنَّهُ مَا ذَاقَ مِنْ طَعْمِ الْفَقْهِ شَيْئًا) (جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۹۷).

با این بیان وقتی امامین انقلاب، بارها و بارها و در مقاطع مختلف در طول حیات طیبه انقلاب و نظام اسلامی، امر به حضور و مشارکت حداکثری داشته اند در واقع، این امر، دستوری الهی قلمداد می شود و باید برای امتثال این امر الهی و قرآنی به نحو احسن اقدام نمود.

□ (۳) آیه نفی سبیل (نساء: ۱۴۱)

یکی دیگر از قواعد و قوانین قرآنی که در عرصه فعالیت های سیاسی راه و مسیر را روشن می سازد، قاعده قرآنی «نفی سبیل» است، خدای متعال در این آیه شریف می فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱)؛ - خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است -.

از این آیه می توان چند آموزه مهم دریافت کرد:

اولا: مؤمنان، حق پذیرفتن سلطه ی کافران را ندارند، و سلطه پذیری نشانه نداشتن ایمان واقعی است.



ثانیا: باید تدابیری اتخاذ کرد که کفار از سلطه بر مؤمنان برای همیشه مأیوس باشند.

ثالثا: هر طرح، قرارداد، ارتباط، کم کاری که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را باز کند حرام است؛ در علم سیاست، نفوذ را "تسلط آرام و پنهان" می نامند. از این جهت مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند.

با توجه به دلائل عقلایی و همچنین تجربیات و عبرت های تاریخ انقلاب اسلامی، در نظام اسلامی ما هربار که دولتی لیبرال و یا شبه لیبرال بر سرکار بوده است، دستخوش نفوذ دشمنان قرار گرفته است. که غیر از دولت موقت مهندس بازرگان، بقیه دولت ها با فرایند انتخابات به قدرت رسیده اند.

به عبارت دیگر انتخابات هم می تواند "زمینه ساز نفوذ" باشد و هم می تواند "راه بندان نفوذ" گردد و این بستگی کامل به کیفیت انتخابات دارد. اگر آحاد جامعه ما، وظیفه شرعی و قرآنی انتخابات را به شکل صحیح، هوشمندانه و آگاهانه انجام دهند، حربه نفوذ دشمن را در عرصه های مختلف خواهند بست.

□ (۴) آیه اعداد قوه (انفال: ۶۰)

یکی از شواهد قرآنی که به خوبی به اهمیت لزوم حضور حداکثری و هوشمندانه در انتخابات دلالت دارد، آیه ۶۰ سوره مبارکه انفال - آیه اعداد قوه - است، آیه ای که در آن به لزوم قوی شدن هر چه بیشتر جامعه اسلامی اشاره دارد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...»؛ برای مقابله با دشمنان، از هر نیرویی بهره بگیرید، تا آنجا که دشمن خدا و دشمن خویش از شما بترسند!

نکته مهمی که این آیه شریفه بدان اشاره دارد این است که عنصر «امنیت»، که زیرساخت و اساس تمام نیازهای حیاتی، معیشتی و رفاهی جامعه است، تنها در سایه اقتدار آفرینی و از رهگذر اعداد قوه و کسب آمادگی های لازم تأمین خواهد شد.

بسیار واضح است که اقتدار جامعه اسلامی، تنها به داشتن قدرت نظامی نیست، بلکه علاوه بر قدرت نظامی - که از آن به قدرت سخت تعبیر می شود - یک نظام مقتدر نیازمند مؤلفه های دیگر قدرت و اقتدار اعم از:



- اقتصاد قوی، مستقل، درونزا و غیر وابسته،
- عمق راهبردی و نفوذ فرامرزی و منطقه‌ای،
- مدیران انقلابی، جهادی، بابصیرت و متخصص در عرصه‌های راهبردی و اجرایی- و در یک کلام دولت کارآمد-
- قدرت نرم، اقتدار رسانه‌ای، مدیریت مؤثر و کارآمد فضای مجازی،
- و از همه مهم‌تر سرمایه اجتماعی، حضور در صحنه و مشارکت حداکثری مردم در عرصه‌های ملی است. به فرمایش ولیّ جامعه: «یکی از برکات حضور مردم همین است که وقتی دشمنان نگاه میکنند و می‌بینند که مردم پشت سر نظام هستند، احساس میکنند که نمیشود با این نظام معارضا کرد؛ چون با يك ملت نمیشود معارضا کرد.» (۱۳۸۸/۱۲/۰۶)
- هر کدام از این مؤلفه‌ها، به مراتب می‌توانند در دل دشمنان رعب و ترس ایجاد کنند، علی‌الخصوص عامل "حضور مردم در صحنه" که رکن «جمهوریت» قوام می‌بخشد و عرصه انتخابات- آنهم مهم‌ترین نوع آن، یعنی انتخابات ریاست جمهوری- اصلی‌ترین تجلی‌گاه آن است. به همین جهت رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «حقیقتاً انتخابات، سیلی به چهره‌ی دشمنان این ملت است.» (۱۳۹۰/۱۲/۱۰)
- در واقع، اگر آحاد جامعه ما به این بصیرت و درایت سیاسی نائل آیند که با حضور حداکثری و باشکوه در انتخابات و همچنین گزینشی هوشمندانه و آگاهانه خود، چه بخش عظیمی از اقتدار همه‌جانبه (سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی) و امنیت فراگیر را تأمین خواهند کرد،- همانگونه که امام خامنه‌ای تصریح دارند: «انتخابات مصونیت‌بخش به کشور است.» (۱۳۹۰/۱۱/۱۴)- قطعاً با انگیزه و روحیه مسئولانه و متعهدانه فوق‌العاده‌ای در انتخابات حضور خواهند یافت.

□ (۵) آیه عمل صالح سیاسی (توبه: ۱۲۰)

یکی دیگر از آیات شاخص در این موضوع، آیه ۱۲۰ سوره مبارکه توبه است که خداوند متعال به مسلمانان اعلام می‌فرماید: تمام سختی‌ها و مرارت‌هایی که در راه خدا تحمل می‌کنید، همچنین هر اقدامی که کفار را به خشم می‌آورد، عمل صالح است. «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه: ۱۲۰) رهبر معظم انقلابی در بیانی با استشهاد به این آیه



می‌فرمایند: «ما ملت ایران، از این حقیقت به خود می‌بالیم که به خاطر خدا و اسلام و قرآن، مورد کینه و عداوت مستکبران و گردنکشان عالم قرار گرفته‌ایم. جوانان ما به خود می‌بالند که در جبهه‌های گوناگون، به خاطر اسلام جنگیدند و محنت کشیدند. هر رنجی در راه خدا و برای دفاع از ارزشهای اسلامی و از قرآن، یک حسنه است؛ **«ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْنُونَ مَوْطِنًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ»**. این، شعار ماست. ملت ایران هر سختی‌یی که کشیده‌اند، برای خدا کشیده‌اند و به آن افتخار می‌کنند.» (۱۳۷۰/۰۳/۱۵)

آموزه‌هایی که در این آیه اهمیت زیادی دارد، عبارت است از:

اولاً: در منطق قرآن رویکرد جامعه‌ی اسلامی باید کفرستیزی باشد.

ثانیاً: در مسیر کفرستیزی، نه تنها امور نظامی، بلکه همه‌ی کُنش‌ها (ایجاد انقلاب اسلامی) و واکنش‌ها (ایستادگی و مقاومت در دفاع مقدس، تحریم‌های اقتصادی و...) برای استقرار و استمرار راه خدا داشته باشیم، نزد خدا عمل صالح و عبادت محسوب می‌شود.

ثالثاً: از مصادیق بارز عبادت و عمل صالح، حضور در صحنه است. مثل شرکت در راهپیمایی‌ها، مشارکت در انتخابات یا هر اقدام اجتماعی که موجب خشم و هراس کفار می‌گردد- مثل مراسم تشییع پیکر شهید حُججی و عظیم‌تر از آن، حضور خارق‌العاده مردم در مراسم تشییع پیکر شهید حاج قاسم سلیمانی که قطعاً نمونه شاخصی از **«يَطْنُونَ مَوْطِنًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ»** بود.

فرازی که در این آیه شریفه بیشتر مورد نظر است، عبارت است از: **«وَلَا يَطْنُونَ مَوْطِنًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ... إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ»**- هر اقدامی که کفار به ناراحت کند، عمل صالح است- موضوع انتخابات، همیشه برای دشمن «موطنی غیظ»- هراس انگیز و خشم‌آور- است. به فرمایش رهبر معظم انقلاب: «بررسی حرکات دشمن نشان می‌دهد، ذهن دشمن متوجه انتخابات ماست. انتخابات هم از نظر ما مهم است، از نظر دشمن هم مهم است؛ حواسش به آن انتخابات است. اگر می‌توانستند کاری می‌کردند که اصلاً انتخابات انجام نگیرد، این کار را می‌کردند. خُب، این کار برای آنها میسر نیست، مقدور نیست؛ مایوسند از این که بتوانند این کار را انجام دهند. لذا دنبال راه‌های دیگرند. سعیشان این است که حضور مردم در انتخابات‌های گوناگون را کم‌رنگ کنند.» (نک: ۱۳۹۱/۱۰/۱۹؛ ۱۳۸۵/۰۹/۲۲)



□ (۶) آیات تخصص و تعهد [آگاهی و توانایی] (یوسف: ۵۵؛ بقره: ۲۴۷؛ قصص: ۲۶؛

دخان: ۱۸)

از آیات مرتبط با مسئله انتخابات، تعدادی از آیاتی است که نسبت به واگذاری امور به افراد به توجه بر شایستگی‌های آنها تأکید می‌فرماید. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

سوره یوسف/آیه ۵۵: «**قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ**» - یوسف به فرمانروای مصر گفت مرا سرپرست خزائن سرزمین مصر قرار ده که نگهدارنده و آگاهم. با اینکه قبلاً فرمانروا به حضرت یوسف گفته بود: «**إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ**» (یوسف: ۵۴) - تو امروز نزد ما منزلت عالی داری و مورد اعتماد هستی. -

حضرت یوسف می‌دانست یک ریشه مهم نابسامانی‌های آن جامعه، در مسائل اقتصادی نهفته است، و او برای اصلاح امور باید نبض اقتصاد کشور مصر را در دست گیرد. این پیشنهاد به این معنا است که نبوت و دیانت، از حکومت و سیاست جدا نیست و ضمناً هر جا لازم باشد، باید داوطلب مسئولیت‌های حساس شد.

در مجموع از مجموعه دو وصفی که فرعون از حضرت یوسف علیه السلام بیان کرد (مکین، امین) و دو صفتی که حضرت یوسف برای خود بیان نمود؛ (حفیظ، علیم) اوصاف کارگزاران شایسته به دست می‌آید: قدرت، امانت، پاسداری و تخصص.

سوره بقره / آیه ۲۴۷: «... قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ...» -

حضرت اشموئیل به بنی اسرائیل فرمود: حالا که درخواست دارید «**ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**» خدای متعال طالوت را به فرماندهی شما تعیین فرموده است، و در مقابل اشتباه محاسباتی شما که شرایط اساسی رهبری را امور اعتباری نسب عالی و ثروت می‌داندید «**وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ**» خدای متعال به او دانایی و توانایی داده است که دو امتیاز واقعی و درون ذاتی است و تأثیر عمیقی در رهبری و فرماندهی دارد. چرا که رهبر باید با علم و دانش خود، مصلحت جامعه را تشخیص دهد و با قدرت، آن مصلحت را به موقع اجرا درآورد. -

سوره قصص / آیه ۲۶: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ.» -

-یکی از دو دختر حضرت شعیب علیه السلام به پدر گفت: ای پدر این جوان (موسی) را به کار بگیر، او بهترین کسی است که می‌توانی به کار بگیری، او هم نیرومند است و هم در مورد اعتماد. -

در بررسی دو معیار قوت و امانت باید گفت، مراد از قوت این است که انسان در انجام مسئولیتش



توانمند باشد. و مراد از امانت این است که انسان تعهد و پابندی دینی و اخلاقی داشته باشد. بگونه ای که بتوان به او اعتماد کرد و امکانات لازم جهت انجام کار را با اعتماد کامل به او سپرد.

دو معیار تخصص و تعهد، دو مفهوم کلی و جامع هستند که می توان آن ها را به اقتضای شرایط و تغییرات جامعه، دقیق و به روز رسانی کرد. اینکه رهبر معظم انقلاب در بیانات متعدد خود، دغدغه مندانه معیارهایی را برای انتخاب درست و دقیق معرفی کرده و می کنند، در واقع این معیارها همان نسخه تفصیلی و به روز شده نسخه قرآن است. برخی از این معیارها عبارتند از: نشاط، علاقه مندی، دانش، انضباط، تدبیر، خردمندی، جدیت، برنامه دار بودن، اولویت گذاری، حکمت، استعداد، همت، پابندی به سیاست های نظام، صداقت، امانتداری، تعهد به مردم و نظام، مردم داری، دلسوزی، ایمان، تدبیر، تقوا، توکل به خدا، عدالت طلبی، نیت الهی، مسئولیت پذیری، استقامت، اعتماد به نفس.

ایشان در بیانات سال های اخیر، مهمترین مشکل کشور را مشکل اقتصادی خوانده و مسئولان را به تلاش مجاهدانه برای رفع این مشکل فراخوانده اند.

قرار گرفتن مشکل اقتصادی در صدر مشکلات نشان می دهد که در میان معیارهای انتخاب و گزینش، معیارهایی در اولویت قرار می گیرند که با این مشکل ارتباط مستقیم داشته باشند. مثل: نشاط، اولویت گذاری، مردم داری، دلسوزی، استقامت، اعتماد به نفس.

از این معیارهای شش گانه، سه معیار نشاط، اولویت گذاری و اعتماد به نفس به تخصص مربوط می شوند و سه معیار مردم داری، دلسوزی و استقامت در دسته معیارهای مربوط به تعهد جای می گیرند.

علت این که این معیارها نسبت به دیگر معیارها در اولویت قرار گرفته اند؛ این است که گره مشکل اقتصادی به دست مسئولانی باز خواهد شد که نشاط، اعتماد به نفس و اولویت گذاری لازم جهت انجام امور دشوار را داشته باشند. و این نشاط علاوه بر توان جسمی و فکری بالا، نیازمند داشتن انگیزه بالا نیز هست تا مسئول مربوطه را جهت استقامت برابر موانع پشتیبانی کند.

انگیزه لازم جهت حل مشکلات اقتصادی تنها در صورتی قوت خواهد گرفت که مسئول مربوطه، مسئولی مردم دار و از جنس مردم باشد. فردی که درد مردم را خود کشیده باشد تا بتواند دشواری درد آن ها را احساس کند.

در این صورت است که فرد مسئول می تواند از توان و تخصص مدیریتی و برنامه ریزی خود



نهایت بهره برداری را داشته باشد و تلخی ها و سنگینی های مسیر حل مشکل اقتصادی را با شیرینی لبخند مردم محروم و درد کشیده تحمل کند.

از این رو در دیگر بیانات رهبر معظم انقلاب آمده است که تلاش برای خدمت و حمایت از قشرهای ضعیف، سرگرم نشدن به تشریفات و حاشیه و کارهای زرق و برق دار از مهم ترین معیارهایی است که می تواند معیار واقعی برای انتخاب و گزینش قرار بگیرند.

□ (۷) آیه تغییر آنفس (رعد: ۱۱) [تابعیت اراده الهی از اراده ملت ها]

از آیاتی که رابطه تنگاتنگی با موضوع انتخابات دارد، فرازی از آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) - خداوند حال و سرنوشت قومی و ملتی را تغییر نمی دهد تا آنکه آنان حال خود را تغییر دهند و خودشان برای تغییر اقدام کنند. - «مضمون این آیه معروف این است که تغییرات به دست شماست. کلید تحولات اجتماعی و تحولات عظیم در دست شماست. یک جای دیگر در یک دایره ی محدودتر می فرماید: «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (انفال: ۵۳). این آیه، پسرفت را می گوید. هم پیشرفت و هم پسرفت و ارتجاع، بستگی دارد به اراده ی انسان ها. وقتی که شما تغییرات مثبت در خودتان ایجاد کردید، خدای متعال هم برای شما حوادث مثبت و واقعیتهای مثبت را به وجود می آورد. همچنانکه در جریان انقلاب اسلامی، مردم ایران روحیات خودشان را تغییر دادند، خدای متعال هم وضع آنها را تغییر داد. ملت ایران راه خود را، حرکت خود را، انگیزه های خود را اصلاح کردند، خدای متعال هم به آنها کمک کرد، به آنها نصرت داد و پشتیبانی کرد. اما اگر چنانچه خدا نعمتی به یک ملتی داد و این ملت درست حرکت نکردند، درست عمل نکردند، خداوند این نعمت را از اینها می گیرد. شما در دعای کمیل هم می خوانید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ»؛ این تغییر نعمت، یعنی سلب نعمت، چیزی است که ناشی از اراده است. خدای متعال پسرفت را نصیب هیچ کشوری نمی کند، مگر خودشان به دست خودشان بکنند. تغییر موجب پسرفت را خود ملت ها به وجود می آورند. ما بایستی بشدت مراقبت میکردیم و مراقبت بکنیم که به این حالت دچار نشویم.

(نک: ۱۳۸۵/۰۸/۱۸؛ ۱۳۹۹/۰۳/۱۴؛ ۱۳۹۲/۰۳/۱۴)

این آیه گویای رابطه مستقیم اراده ملی با تحولات سیاسی و اجتماعی است و به ما یادآور می شود در عرصه سیاسی و اجتماعی جامعه نباید همه معضلات و مشکلات را معلول عوامل بیرونی



دانست، البته عوامل بیرونی مانند دشمنی های استعمار و استکبار، تحریم ها، عقب ماندگی های علمی، و... در بروز مشکلات و ایجاد تحولات سیاسی و اجتماعی يك جامعه و کشور مؤثر هستند اما تأثیر اصلی متعلق به عوامل درونی جامعه می باشد.

این اصل قرآنی می گوید: برای پایان دادن به مشکلات، معضلات و ناکامی ها باید دست به انقلابی از درون بزنیم، به طور عینی انقلاب درونی یعنی ایجاد و تقویت بصیرت و قدرت تشخیص در وجود و دیگران، توجه به آرمان های بلند انقلاب اسلامی، فریب نخوردن از عوامل خارجی و داخلی دشمن در جنگ نرم، نبرد رسانه ای و عملیات های روانی، حضور حداکثری در عرصه هایی حساس انقلاب از جمله انتخابات و تعیین نزدیک ترین افراد به آرمان ها و ارزش های انقلاب اسلامی به عنوان رئیس جمهور. در یک کلام اگر ملتی پای صندوق رأی و از راه قانونی قصد کند که مسئولین جوان و حزب اللهی را به قدرت اجرایی برساند، اراده خدای سبحان هم با این تغییر همراه خواهد بود.

□ (۸) آیه شکر (ابراهیم: ۷۶) [انتخابات، شکرانه نعمت استقلال و آزادی کشور]

از دیگر ادله های قرآنی برای انتخابات، آیه ۶ و ۷ سوره مبارکه ابراهیم است: «وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» - موسی به قوم خود گفت: نعمت خداوند بر خودتان را یاد کنید، آنگاه که شما را از فرعونیان نجات داد، آنها که شما را به بدترین نوع عذاب می کردند، پسرانتان را سر می بریدند و زنانتان را برای کنیزی و هوسرانی خود زنده نگاه می داشتند، و در این امور، از طرف پروردگارتان آزمایش بزرگی بود. پروردگارتان اعلام فرمود: اگر شکر کنید، قطعاً شما را می افزایم، و اگر کفران کنید البته عذاب من سخت است -.

نعمت آزادی از استبداد داخلی و استعمار و استکبار خارجی و همچنین نعمت استقلال و تشکیل حکومت الهی، از مهم ترین نعمت هاست؛ و در حقیقت این شعار معروف «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بیان بزرگ ترین نعمت های الهی است که اگر شکر آن گزارده نشود، خداوند مردم ناسپاس را به عذاب شدیدی گرفتار می کند. این دستور الهی «اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ» (یادآوری نعمت آزادی، استقلال و حکومت الهی) به این معنا است که بیندیشید که در قبال این نعمت بزرگ



چه وظیفه‌ای دارید؟ سپس خاطرنشان می‌فرماید که اصلی‌ترین رسالت و مأموریت شما در قبال این نعمت بزرگ، شکر است. شکر یعنی شناخت نعمت، قدرشناسی، حفظ و صیانت عملی از آن. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «شُكْرُ الْمُؤْمِنِ يَظْهَرُ فِي عَمَلِهِ، شُكْرُ الْمُتَنَافِقِ لَا يَتَجَاوَزُ لِسَانَهُ.» (غرر الحکم، ح ۵۶۶۱-۵۶۶۲)

در واقع شرکت در انتخابات، شکر عملی نعمت استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی است، که اگر انجام شود، اجر آن «لَا زِيْدَنَّكُمْ». در مقابل عدم شرکت در انتخابات کفران نعمت استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی قلمداد می‌شود و مجازاتش عذاب شدید است. با توجه به سرگذشت بنی اسرائیل به نظر می‌رسد سزای کفران این نعمت عظیم الهی دو چیز است: یکی «وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدَّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ...» (بقره: ۶۱) - مَهر ذَلَّت و در ماندگی، بر آنها زده شد - و دوم؛ اِعمال سنت استبدال است، یعنی خدا این نعمت بزرگ را از بی‌لیاقت‌ها و بی‌کفایت‌ها می‌گیرد و آن را به کسانی می‌دهد که لیاقت شکرگزاری‌اش را دارند.

□ (۹) آیه جهاد کبیر (فرقان: ۵۲)

از آیات مرتبط با حماسه انتخابات، می‌توان به آیه ۵۲ سوره مبارکه فرقان اشاره کرد: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا.» - از کافران تبعیت نکن و با تبعیت نکردنت، با آنان جهادی بزرگ کن - . «در بین جهادها جهادی هست که خدای متعال در قرآن آن را «جهاد کبیر» نام نهاده: «فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا.» این آیه در مکه نازل شده. در مکه جنگ نظامی مطرح نبود؛ پیغمبر و مسلمانانها مأمور به جنگ نظامی نبودند، کاری که آنها می‌کردند ایستادگی و مقاومت و عدم تبعیت است. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر. اطاعت نکردن از دشمن یعنی تبعیت نکردن در میدان‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و... این تبعیت نکردن آن قدر مهم است که خدای متعال پیغمبر خود را مکرر به آن توصیه میکند. در آیه‌ی تکان‌دهنده‌ی اوّل سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ.» این اطاعت نکردن از کافرین، آن چیز بزرگ و مهمی است که خدای متعال با این لحن با پیغمبرش حرف می‌زند. امروز مسئله‌ی جمهوری اسلامی هم همین است. امروز برای کشور ما جنگ نظامی سنتی و متعارف احتمال بسیار بسیار ضعیفی است لکن جهاد باقی است. جهاد فقط به معنای قتال و جنگ نظامی نیست؛ جهاد یک معنای بسیار



وسیع‌تری دارد. آنچه استکبار را از جمهوری اسلامی بشدت غضبناک می‌کند، مسلمان بودن مردم ایران نیست؛ آن، عبارت است از اینکه مردم به خاطر این مسلمان بودن، حاضر نیستند زیر بار استکبار بروند و تبعیت کنند. (نک: ۱۳۹۵/۰۳/۰۳) باید دشمن را شناخت، نقشه‌ی او را فهمید و از تبعیت دشمن سر باز زد. قرآن این عدم تبعیت را جهاد کبیر نام نهاده است. (۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

دشمنان انقلاب می‌خواهند کاری کنند که نظام اسلامی از عناصری که در درون او است و مایه‌ی اقتدار او است، تهی و خالی بشود. وقتی ضعیف شد، وقتی عناصر قدرت در او نبود، وقتی اقتدار نبود، دیگر از بین بردنش و کشاندنش به این سمت و به آن سمت، کار مشکلی برای ابرقدرت‌ها نخواهد بود؛ می‌خواهند او را وادار کنند به تبعیت. اینجا جای همان جهاد کبیر است. جهاد کبیر یعنی جهاد برای عدم تبعیت، برای عدم دنباله‌روی از دشمن. «(۱۳۹۵/۰۳/۰۶) به همین جهت یکی از بارزترین مصادیق جهاد کبیر، حضور و مشارکت در انتخابات است. عدم حضور در انتخابات با هر بهانه و توجیهی، در حقیقت تبعیت از دشمن است، و قرآن بر این تبعیت نکردن تأکید مؤکد دارد.

□ (۱۰) آیه عدم پشتیبانی مجرمین (قصص: ۱۷)

از دیگر آیات که دارای صبغه انتخاباتی است، آیه ۱۷ سوره مبارکه قصص است: «قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ.» - موسی گفت: پروردگارا! بشکرانه نعمتی که به من دادی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود!-.

همانطور که در بحث جهاد کبیر گفته شد، شرکت در انتخابات به این معنا است که ما از دشمن تبعیت نمی‌کنیم. این آیه نیز گویای این مطلب می‌تواند باشد که شرکت در انتخابات، یعنی ما دشمن را در رسیدن به اهداف شومش حمایت و کمک نمی‌کنیم. یکی از اهدافی که دشمنان در عرصه‌ی رسانه و جنگ نرم به دنبال آن هستند این است که مردم حضور حداقلی در انتخابات داشته باشند و با این کار به دنبال این هستند که مردم آرمان‌های مقدس انقلاب اسلامی و عهدی که با امام و شهدا بسته‌اند دست بردارند، ولی مردم با شرکت در انتخابات اثبات می‌کنند که در صف دشمن نیستند و هنوز بر آرمان‌های خود باقی هستند.



□ (۱۱) آیه اتباع احسن (زمر: ۱۷-۱۸)

از دیگر آیات انتخاباتی، آیه ۱۷ و ۱۸ سوره مبارکه زمر است: «...فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» - بندگان مرا بشارت بده! آنان که سخن را با دقت می شنوند و از بهترین آن پیروی می کنند، آنانند که خداوند هدایتشان نموده و آنان همان خردمندان اند.

این آیه که از قاعده های قرآنی هم به شمار می آید، به صورت یک شعار اسلامی، آزاداندیشی و حق انتخابگری در مسائل مختلف را در جامعه اسلامی نهادینه می سازد، وظیفه و مسئولیت آحاد جامعه را نیز در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی روشن می سازد. پیام های انتخاباتی این آیه عبارت است از:

اولا: انتخاب آگاهانه (اتباع احسن) مورد توجه قرآن است و برای آن برکات نامحدودی وجود دارد، چرا که کلمه «بشر» مطلق و شامل انواع بشارت های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی می شود. ثانیا: انتخاب آگاهانه، بدون توفیق و هدایت الهی صورت نمی گیرد، لذا باید از خدا استمداد کرد. چون خدای متعال درباره کسانی که انتخاب و اتباع احسن دارند می فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ».

ثالثا: شرط دوم انتخاب آگاهانه، بهره گیری از عقلانیت متعالی است، چرا که آیه بعد از هدایت الهی می فرماید: «وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»، «لُبّ» به معنی خالص و برگزیده هر چیزی است و لذا به مرحله عالی و خلوص عقل، لب اطلاق می شود. در قرآن مجید مسائلی به اولوا الالباب نسبت داده شده که جز با عقل در مراحل عالی قابل درک نیست. (پیام قرآن، ج ۱، ص ۱۴۵) مانند حکمت که در سوره بقره آیه ۲۶۹ خداوند می فرماید: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُوا الْأَلْبَابِ».

نکته آخر اینکه، به تصریح این آیه، تنها راه مطمئن و معقول، انتخاب آگاهانه است. همان که با تدبیر امام راحل و رهبر معظم انقلاب، اساس جمهوریت نظام اسلامی ماقرار گرفته است. انتخاب آگاهانه، آثار و برکات فراوانی را برای جامعه اسلامی به دنبال دارد، آثار و برکاتی که قوام و حیات جامعه اسلامی با آن ارتباط مستقیم دارد، از جمله فراگیری عدالت، رفاه معیشتی، اقتصاد قوی، اقتدار همه جانبه و... #